

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیسٹ روز ہفتم لائودکیہ ای - شمارہ دوازدہم

Jeff Pippenger

2025-12-17

شمارہ دوازدہ

میری خواہش ہے کہ میں یوایل کی نبوتی گواہی کو اس انداز سے پیش کروں کہ پینتیکوست کے موقع پر پطرس جو کچھ کہہ رہا تھا اور کر رہا تھا، اُس میں یوایل کی گواہی پہچانی جا سکے۔ مجھے یقین ہے کہ بائبل اس بارے میں واضح ہے کہ پطرس پینتیکوست پر کیا کر رہا تھا اور کیا کہہ رہا تھا، لیکن میں یہ سمجھنے کی کوشش کر رہا ہوں کہ بعد کی بارش کی تاریخ میں، جب اُس نے پینتیکوست کے پیغام کو کتابِ یوایل کی تکمیل کے طور پر بیان کیا، تو پطرس نبوتی طور پر کس چیز کی تمثیل پیش کر رہا تھا۔

پطرس نمادی از قوم باقی ماندہ خداست، و این امر نہ تنها در پنتیکاست، بلکه همچنین در قیصریہ فیلیپی در متی ۱۶ بہ تصویر کشیدہ شدہ است۔ قیصریہ فیلیپی در آیات سیزدہ تا پانزدہ دانیال ۱۱ قرار دارد؛ سہ آیہ ای کہ نبرد را مطرح می کنند کہ نخستین بار در دورہ تاریخی ای تحقق یافت کہ در آن قیصریہ فیلیپی پانیوم نامیدہ می شد۔ آیات سیزدہ تا پانزدہ پیش از آیہ شانزدہ قرار دارند؛ آیہ ای کہ قانون یکشنبہ در ابالات متحدہ را مشخص می سازد۔ آیہ دہ فروپاشی اتحاد جماہیر شوروی را در سال ۱۹۸۹ مشخص می کند۔ آیات دہ تا شانزدہ دانیال ۱۱ نمایانگر دورہ ای از ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبہ ہستند، و آن دورہ «تاریخ پنهان» آیہ چہل همان فصل است۔

تاریخ پنهان در حروفِ درشت

۱۷۹۸

اور آخر زمان میں جنوب کا بادشاہ اُس پر حملہ آور ہوگا:

۱۹۸۹

لیکن اُس کے بیٹے برانگیختہ ہوں گے اور بڑی بڑی افواج کے ہجوم کو جمع کریں گے؛ اور شمال کا بادشاہ اُس پر بگولے کی مانند، رتھوں، سواروں اور بہت سے جہازوں کے ساتھ چڑھ آئے گا؛ اور وہ ممالک میں داخل ہو کر طغیانی کرے گا اور گزرتا چلا جائے گا۔ اور ایک یقیناً آئے گا، اور طغیانی کرتا ہوا گزر جائے گا؛ پھر وہ لوٹے گا اور اپنے قلعہ تک برانگیختہ ہوگا۔

۲۰۱۴، نبردِ رافیا

و پادشاہ جنوب بہ خشم خواہد آمد و بیرون آمدہ، با او، یعنی با پادشاہ شمال، جنگ خواہد کرد؛ و او انبوهی عظیم بہ میدان خواہد آورد؛ اما آن انبوه بہ دست او سپردہ خواہد شد۔ و چون آن انبوه را از میان بردارد، دلش مغرور خواہد شد؛ و دہا ہزار تن را بہ زیر خواہد افکند؛ لیکن از این راہ نیرومند خواہد شد۔

نبرد پانیوم (قیصریہ فیلیپی)

زیرا پادشاہ شمال بازخواہد گشت و انبوهی بزرگتر از نخستین بسیج خواہد کرد، و بی تردید پس از چند سال با لشکری عظیم و ثروتی بسیار خواہد آمد.

اور اُن ایام میں بہت سے لوگ بادشاہ جنوب کے خلاف اُٹھ کھڑے ہوں گے؛ اور تیرے لوگوں میں سے بھی لٹیرے اپنے آپ کو سر اُٹھائیں گے تاکہ رؤیا کو قائم کریں؛ لیکن وہ گر جائیں گے۔

پس پادشاہ شمال خواہد آمد، خاکریزی برپا خواہد کرد و شہرہای مستحکم را تسخیر خواہد نمود؛ و بازوان جنوب تاب مقاومت نخواہند آورد، نہ قوم برگزیدہ او، و نہ نیرویی برای ایستادگی باقی خواہد ماند.

قانون یکشنبه در ایالات متحدہ آمریکا

لیکن جو اس کے مقابل آئے گا، وہ اپنی مرضی کے مطابق عمل کرے گا، اور "کوئی بھی اُس کے سامنے قائم نہ رہ سکے گا"؛ اور "وہ اُس جلیل القدر سرزمین میں کھڑا ہوگا" جو اُس کے ہاتھ سے فنا کر دی جائے گی۔ وہ جلیل القدر سرزمین میں بھی داخل ہوگا، اور بہت سے ممالک الٹ دیے جائیں گے؛ مگر یہ اُس کے ہاتھ سے بچ نکلیں گے، یعنی ادوم، موآب، اور بنی عمون کے سردار۔ وہ ممالک پر بھی اپنا ہاتھ بڑھائے گا، اور مصر کی سرزمین بھی نہ بچ سکے گی۔ دانی ایل 11:40، 10-16، 41، 42.

چڈھن پطرس نبوی طور تي قيصرية فليپي (پانيوم) ۾ آهي، ۽ پينتيڪاست آخري برسات جو وقت آهي، تڏهن اهو کيس آيت چاليھ جي 'لڪل تاريخ' ۾ رکي ٿو. منهنجو ارادو آهي ته موجوده يوڪريني جنگ، جيڪا باب يارهن جي آيت يارهن ۾ پيش ڪئي وئي آهي، ۽ پانيوم جي ايندڙ جنگ، جيڪا آيتن تيرهن کان پندرهن تائين بيان ٿيل آهي، جنهن مان ٽئين عالمي جنگ جنم وٺندي، تي گفتگو ڪيان—۽ اهي 1989 ۽ اچر جي قانون جي وچ وارا بيروني واقعا آهن—پر هن وقت اسين ٽئين فرشتي جي تاريخ کي 22 آڪٽوبر 1844 کان وٺي 1863 ۾ هڪ قانوني ڪليسا جي قيام تائين سڃاڻي رهيا آهيون.

یہ لکیر تیسرے فرشتے کی 9/11 (1844) کو آمد سے لے کر اتوار کے قانون (1863) تک کو ظاہر کرتی ہے۔ اتوار کے قانون کی پیش نمائی آزادی کے اعلان عام (Proclamation) سے ہوئی، جس نے آزادی کا اعلان کیا؛ یوں یہ اتوار کے اُس قانون کی تمثیل بنتا ہے جس میں آزادی سلب کر لی جاتی ہے۔ پہلے ریپبلکن صدر کی طرف سے اعلان کی گئی آزادی، آخری ریپبلکن صدر کے ہاتھوں سلب کی جائے والی آزادی کی تمثیل ہے—جو نبوت کے مطابق اتوار کے قانون کے وقت ایک آمر بننے کے لیے مقدر ہے۔

«هنگامی که ملت ما اصول حکومت خویش را چنان ترک گوید که قانونی یکشنبه‌ای وضع کند، پروتستان‌تیسیم در این اقدام با پاپیت دست اتحاد خواهد داد؛ و این چیزی جز جان بخشییدن به آن استبدادی نخواهد بود که از دیرباز با اشتیاق فرصت را می‌پاییده است تا بار دیگر به فرمانروایی فعال استبدادی جهش کند.» شهادت‌ها، جلد ۵، ص. ۷۱۱.

a. C. fue la historia alfa que inició las profecías de tiempo de Isaías 7:8, las cuales 742 alcanzaron su cumplimiento omega en 1863. En 742, Acáz, rey del reino meridional de Judá, estaba entrando en una guerra civil contra las diez tribus del norte que constituían el reino septentrional. La historia de 742 a. C. fue ilustrada en Judá, la tierra gloriosa literal de las Escrituras, poblada por judíos literales y representada en el pasaje por el impío e insensato rey Acáz; tipificando así la historia omega de 1863. La historia omega de 1863 se cumple dentro del período en que los Estados Unidos reinan como la bestia de la tierra, el sexto reino de la profecía bíblica. Los Estados Unidos son la tierra gloriosa espiritual,

compuesta por el cristianismo protestante, cuyos integrantes son bíblicamente judíos espirituales. La guerra civil entre el norte y el sur en 742 a. C., en la historia alfa, ilustró la guerra civil entre el norte y el sur en la historia omega de 1863. Juntos, esos dos testigos ilustran la historia externa que conduce hasta la ley dominical, donde la tierra gloriosa espiritual volverá una vez más a ser dividida en dos clases

در سال ۷۴۲ پیش از میلاد، قدرت شمالی نمایانگر اتحادی میان ده قبیله شمالی اسرائیل و سوریه بود، و بدین سان نماد اتحادی با یک قدرت بیرونی می‌گردید؛ چنان‌که این امر آنگاه تحقق یافت که حمایت پاپی طرفدار برده‌داری به ایالات جنوبی طرفدار برده‌داری در جنگ داخلی داده شد. همپیمان بیرونی سوریه در سال ۷۴۲ پیش از میلاد، و همپیمان بیرونی پاپی در جنگ داخلی، اتحاد جهان‌گرایان جهانی با دموکرات‌های جهان‌گرا را در نبردشان بر ضد ماگایسم شناسایی می‌کند؛ نبردی که در سال ۲۰۱۵ آغاز شد، هنگامی که چهارمین و ثروتمندترین رئیس‌جمهور به پا خاست، و بدین وسیله، مطابق دانیال باب یازدهم، آیه دو، تمامی قلمرو یونان را برانگیخت. این برانگیختن، شناساننده بیداری امت‌ها در کتاب یوئیل است. «یونان» و «امت‌ها» نمادهایی از قدرت ازدها هستند که جهان را در اتحاد با وحش و نبی کاذب به سوی هارمجدون رهبری می‌کند.

در سال ۲۰۱۵، امت‌ها به دعوت نبوی یوئیل به وادی یهوشافاط، که آن را وادی داوری نیز نامید، بیدار شدند. در سال ۲۰۱۵، دونالد ترامپ نامزدی خود را برای ریاست‌جمهوری اعلام کرد و بدین سان امپراتوری جهانی‌گرا را که به صورت یونان به تصویر کشیده شده است، به جنبش درآورد؛ و امت‌ها راه‌پیمایی خود را به سوی آرماگدون آغاز کردند، و این تنها یک سال پس از آغاز جنگ اوکراین، در تحقق آیه یازدهم از دانیال یازده، بود.

جنگ‌های داخلی سال‌های ۷۴۲ ق.م. و ۱۸۶۳ تاریخ قانون یکشنبه را معرفی می‌کنند؛ قانونی که پایان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس را نشان می‌دهد. آن ششمین پادشاهی با جنگ انقلاب آغاز شد؛ بنابراین، پایان ششمین پادشاهی در قانون یکشنبه، تکرار جنگ انقلاب را مشخص می‌سازد، درست در همان زمانی که جنگ داخلی در حال وقوع است. تعریف هر جنگ و نیز نام‌گذاری آن به عنوان جنگ داخلی یا جنگ انقلاب، بر اساس دیدگاه صورت می‌گیرد. آنچه دموکرات‌ها اکنون از طریق جنگ حقوقی، اختلاس، تقلب، مهاجرت غیرقانونی و تبلیغات انجام می‌دهند، خود «انقلاب رنگی» می‌نامند؛ اما آن نفوسی که با مانورهای جهانی‌گرایانه ایشان مخالف‌اند، همان فعالیت‌ها را برانگیختن آشوب «مدنی» می‌شمارند. آیا آنتیفا یک مجرم است یا یک قهرمان؟

دو جنگ تاریخی نمایانگر یک جنگ واحد تفرقه‌افکن‌اند که در تاریخ آخرین رئیس‌جمهور جمهوری خواه رخ می‌دهد. همان‌گونه که در مورد نخستین رئیس‌جمهور جمهوری خواه بود، این نبرد به وسیله آخرین رئیس‌جمهور جمهوری خواه به پیروزی خواهد رسید؛ کسی که همچنین به واسطه نخستین رئیس‌جمهور تمثیل شده بود، که او نیز فاتح جنگ انقلاب بود. به گفته دموکرات‌ها، انقلاب MAGA موجب «ناآرامی‌های مدنی» کنونی است. بسته به گرایش سیاسی شخصی شما، جنگ کنونی یا جنگی انقلابی است یا جنگی داخلی. از نظر نبوی، هر دو است.

۱۸۶۳ نماینده قانون یکشنبه است، و ۱۸۴۴ نیز چنین است، زمانی که فرشته سوم با پیام قانون یکشنبه فرا رسید. دوره ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ از آغاز تا پایان، نشان قانون یکشنبه را بر خود دارد. در سال ۱۸۴۶، ازدواج وایت‌ها، رعایت سبت، و تغییر نام از هارمن به وایت، نشانگر آن بود که آن ازدواجی که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ منعقد شده بود، به کمال رسیده است؛ و آن به کمال رسیدن، آغاز فرایند آزمون فرشته سوم را مشخص ساخت، درست همان‌گونه که آزمون سه‌گانه سبت متا آغاز ده آزمون پس از تعمید دریای سرخ را مشخص کرد.

مَنْ نخستین آزمون بود و نمایانگر دهمین آزمون در قادیش؛ زیرا هر دو پیام فرشته سوم را نمایندگی می‌کنند و از این‌رو قانون یکشنبه را.

«هر هفته در طول اقامت طولانی خود در بیابان، بنی اسرائیل شاهد معجزه‌ای سه‌گانه بودند که برای آن مقرر شده بود تا قداست سبت را بر ذهن آنان نقش بندد: در روز ششم، دو برابر مقدار مَنّا فرو می‌افتاد؛ در روز هفتم هیچ فرو نمی‌افتاد؛ و آن بخشی که برای سبت لازم بود، شیرین و پاک محفوظ می‌ماند، حال آنکه اگر در هر زمان دیگری چیزی از آن تا روز بعد نگاه داشته می‌شد، برای استفاده نامناسب می‌گردید.» مشایخ و انبیا، 296.

نخستین ده آزمون، آزمون «مَنّا» بود که نمایانگر پیام سه‌گانه سه فرشته مکاشفه چهارده است. همان‌گونه که در مورد مَنّا چنین بود، فرشتگان نیز نمایانگر هشدار سه‌گانه بر ضد عبادت در روز نخست هفته هستند. معجزه سه‌گانه مَنّا «برای آن طراحی شده بود که قداست سبت را بر ذهن ایشان نقش بندد»، که البته همین، مقصود فرشته سوم است. نخستین سه معجزه‌ای که به وسیله مَنّا نمادپردازی شده بود، شامل «خوردن» نان آسمانی می‌شد، و «خوردن» نماد الفای دوره باران آخر است. معجزه دوم، نمایانگر پیام فرشته دوم است، جایی که الهام، واژه‌ها و عبارات را «دو برابر» می‌سازد تا دوره‌ای را که به وسیله دو سقوط بابل نمایان شده است مشخص کند، زیرا بابل سقوط کرده است، سقوط کرده است. معجزه دوم، «دو برابر شدن» مقدار مَنّا در روز ششم بود. معجزه سوم، نگاه‌داری نان سبت روز هفتم بود.

سه فرشته‌گان نماداً در مَنّا تمثیل یافته‌اند؛ و مَنّا فرشته اول است، از این‌رو باید تمام حکایت را دربرداشته باشد؛ حکایتی که در مکاشفه چهارده، حکایت هر سه فرشته است. فرشته اول، فراکتالی از پیام‌های هر سه فرشته است. فراکتال شکلی هندسی پیچیده است که می‌توان آن را به بخش‌هایی تقسیم کرد که هر یک نسخه‌ای کوچک‌تر از کل آن است. این خاصیت «خودهمانندی» نامیده می‌شود. فراکتال‌ها غالباً هر قدر هم که بر آن‌ها بزرگ‌نمایی شود، همچنان دارای جزئیات پیچیده‌اند. فراکتال‌ها در ریاضیات، زیست‌شناسی، فیزیک، زمین‌شناسی، شیمی، نجوم، مهندسی و بسیاری حوزه‌های دیگر معرفت یافت می‌شوند.

ساختار «سه مرحله‌ای» سه فرشته در مکاشفه باب چهاردهم، در پیام فرشته اول بازنمایی شده است؛ از این‌رو، فرشته اول «فراکتالی» از سه فرشته به‌شمار می‌آید. سه باب نخست کتاب دانیال، به ترتیب نمایانگر پیام‌های فرشته اول، دوم و سوم هستند، و دانیال باب یک نیز همان «ساختار سه مرحله‌ای» را که در آن سه باب بازنمایی شده است، در بر دارد؛ همان‌گونه که در نسبت سه فرشته با فرشته اول نیز چنین است.

معجزه سه‌گانه مَنّا می‌بایست خورده می‌شد، و باب اول دانیال درباره خوردن است. دانیال با برگزیدن حیوانات به‌جای خوراک بابل، آزمون رژیم غذایی را با موفقیت گذراند. سپس از حیث ظاهرش آزموده شد، و ظاهر او جدایی‌ای میان سیمای او و سیمای کسانی که غذای بابل را می‌خوردند پدید آورد. پیام فرشته دوم، دعوت به جدایی از بابل است در خلال تاریخ جدایی‌ای که در آن دو طبقه پدید می‌آیند و سپس آشکار می‌شوند. آن آزمون دوم برای دانیال به آزمون سوم نبوکدنصر انجامید، که همان آزمون سوم در باب اول بود و نمونه‌ای از آزمون تمثال زرین در باب سوم به‌شمار می‌رفت؛ آزمونی که خواهر وایت مکرراً آن را شریعت یکشنبه معرفی می‌کند، و آن همان پیام فرشته سوم است. باب اول دانیال یک فراکتال از سه باب نخست دانیال است، و آن سه باب نمایانگر سه فرشته مکاشفه چهارده هستند؛ که در میان آن‌ها، هم فرشته اول و هم باب اول دانیال، هر دو فراکتال‌هایی از هر سه فرشته و هر سه باب‌اند.

«هر هفته، در طی اقامت طولانی خویش در بیابان، بنی اسرائیل شاهد معجزه‌ای سه‌گانه بودند که برای آن مقرر شده بود قداست سبت را بر ذهن ایشان نقش بندد: در روز ششم، مقدار دوبرابر من فرو می‌ریخت؛ در روز هفتم، هیچ فرو نمی‌ریخت؛ و آن بخشی که برای سبت لازم بود، شیرین و پاکیزه محفوظ می‌ماند، حال آنکه اگر در هر زمان دیگری چیزی از آن نگاه داشته می‌شد، برای استفاده نامناسب می‌گردید.»

«در اوضاع و احوال مربوط به عطای منّا، ما دلیل قاطعی در اختیار داریم که سبت، چنان‌که بسیاری ادعا می‌کنند، هنگامی که شریعت در سینا داده شد برقرار نگردید. پیش از آنکه اسرائیلیان به سینا برسند، ایشان می‌دانستند که سبت بر آنان الزام‌آور است. این‌که موظف بودند هر جمعه، برای آمادگی سبت - که در آن هیچ متّایی فرو نمی‌افتاد - سهمی دوچندان از منّا گرد آورند، پیوسته ماهیت مقدّس روز استراحت را بر ایشان نقش می‌کرد. و هنگامی که برخی از قوم در روز سبت برای جمع‌آوری منّا بیرون رفتند، خداوند پرسید: «تا به کی از نگاه داشتن اوامر و قوانین من سر باز خواهید زد؟» مشایخ و انبیا، 296.

جمع‌آوری و خوردن منّا، نمونه‌وار به یوحنا در باب دهم مکاشفه اشاره دارد که کتاب کوچک را از دست فرشته می‌گیرد (برمی‌دارد) و سپس آن را می‌خورد.

پس من نزد آن فرشته رفتم و به او گفتم: آن کتاب کوچک را به من بده. و او به من گفت: آن را بگیر و بخور؛ و شکم تو را تلخ خواهد کرد، اما در دهانت چون عسل شیرین خواهد بود. مکاشفه 10:9.

یوحنا نخست می‌بایست نزد فرشته برود و درخواست کند؛ سپس می‌بایست کتاب کوچک را «بگیرد»، و آنگاه می‌بایست آن را «بخورد». یوحنا با رفتن نزد فرشته و درخواست کردن، نمایانگر سه گام فرشته اول است؛ و پس از آن، گام دوم یعنی گرفتن، و گام سوم یعنی خوردن را نیز مجسم می‌سازد. گردآوردن و/یا خوردن، نخستین سه آزمون منّا است، اما در خود فرکتالی از هر سه آزمون منّا را در بر دارد. گرد آوردن و خوردن منّا، نمونه‌وار به ارمیا اشاره دارد.

سخنان تو یافت شد و من آنها را خوردم؛ و کلام تو برای من شادی و وجد دل من گردید، زیرا من به نام تو خوانده شده‌ام، ای یهوه، خدای لشکرها. ارمیا ۱۵:۱۶

«کلام‌های او» به وسیله ارمیا، در حالی که جست‌وجو می‌کرد و سپس کتاب کوچک را می‌طلبید، یافته شد. کلام او هنگامی یافت شد که منّا گردآوری گردید. گرد آوردن و خوردن منّا، مشخص حزقیال است که کتاب داده‌شده به او را خورد؛ و بدین‌سان آشکار می‌سازد که امتناع از خوردن آن کتاب، به منزله بودن همچون آن خاندان یاغی بود.

اما تو، ای پسر انسان، آنچه را به تو می‌گویم بشنو؛ چون آن خاندان عاصی، عاصی می‌باش. دهان خود را بگشا و آنچه را به تو می‌دهم بخور. و چون نگریستم، اینک دستی به سوی من دراز شده بود؛ و اینک طومار کتابی در آن بود. و آن را پیش روی من گشود؛ و در اندرون و بیرون آن نوشته شده بود؛ و در آن مرثیه‌ها و ماتم و وای نوشته شده بود. و نیز به من گفت: ای پسر انسان، آنچه را می‌یابی بخور؛ این طومار را بخور و برو و به خاندان اسرائیل سخن بگو.

پس من دهان خود را گشودم، و او آن طومار را به من خورانید. و به من گفت: «ای پسر انسان، شکمت را بخوران و اندرون تو را از این طوماری که به تو می‌دهم پر ساز.» آنگاه آن را خوردم، و در دهانم از شیرینی چون عسل بود. حزقیال ۲:۸-۳:۳.

اگر حزقیال از خوردن آن کتاب کوچک امتناع می‌کرد، در زمره خاندان یاغی می‌بود؛ و «طومار» کتابی که می‌بایست بخورد، به صورت «نوحه‌ها و ماتم و وای» تصویر شده بود، که نمایانگر پیامی

سه گانه در ایام آخر است. پیام سه گانه ایام آخر همان پیام های سه فرشته مکاشفه چهارده است، و زمینه ای که حزقیال در آن این سه پیام را عرضه می دارد، زمینه اسلام و وای سوم است. این سه پیام دارای آلفا و امگا هستند، و سومی «وای» است، که نمادی اصلی از اسلام به شمار می رود؛ پس آلفا باید با امگا موافقت داشته باشد. بنابراین «نوحه ها» نمایانگر نوحه هایی هستند که در ۱۱ سپتامبر با فرارسیدن شیپور هفتم و وای سوم آغاز شد و به تدریج تا هفت بلای آخر شدت می یافت. در «زلزله» قانون یکشنبه در مکاشفه یازده، وای سوم به زودی می آید، و الهام به ما اعلام می کند که فرمان ظالمانه اشعیا ده همان قانون یکشنبه است. آیه با این بیان آغاز می شود: «وای» بر آنان که احکام ناروا صادر می کنند.

خوردن مَنّا نخستین سه آزمون بود؛ دومین، «دو برابر شدن» در روز تدارک بود. و ایشان برای چه آماده می شدند؟ آنان برای آزمون سبت آماده می شدند، که همان پیام فرشته سوم است.

آن معجزه سه گانه همچنین نخستین، یا آزمون آلفا، از ده آزمون بود. خدا در گام نخست مَنّا عطا کرد، سپس در گام دوم بهره ای «دوچندان» بخشید، اما در گام سوم هیچ نداد. آزمون سوم با دو آزمون نخست متفاوت است، زیرا آزمون سوم، آزمون محک است. آن سه آزمون نمایانگر آلفای فرایند آزمونی ده مرحله ای هستند که به نخستین قادش منتهی می شود.

اگر به آثار الهی دانان گوناگون مراجعه کنید، فهرست های بسیاری از ده آزمونی خواهید یافت که در نخستین قادش به اوج خود می رسند. تقریباً همه آنها دریای سرخ را یکی از آن ده آزمون به شمار می آورند، و برخی نیز نشانه های تاریخی پیش از دریای سرخ در خلال بلاها را در آن می گنجانند. همه آنها در اشتباه اند.

نخستین آزمون، مَنّا است. پولس تصریح می کند که عبور از دریای سرخ، تعمید بود.

علاوه بر این، ای برادران، نمی خواهم که از این امر بی خبر باشید که همه پدران ما زیر ابر بودند و همگی از میان دریا گذشتند؛ و همه در ابر و دریا برای موسی تعمید یافتند. اول قرنیتان ۱۰، ۲.

موسی' یسوع کی تمثیل ہے، اور یسوع کا بپتسمہ ایک آزمائشی عمل کی نشان دہی کرتا ہے، جو اپنی مابیت میں سہ گانہ ہے، اور جس کا آغاز بھوک کی آزمائش سے ہوتا ہے اور اسی پر زور دیا جاتا ہے۔ صلیب کی تمثیل مصر میں فسح کے ذریعے پیش کی گئی تھی۔ جب وہ بحر قلزم کے دوسری طرف نکل آئے، تو مسیح اولین پھل کی قربانی کے طور پر جی اٹھا۔ جب وہ یوحنا بپتسمہ دینے والے کے ہاتھوں پانی کی قبر سے باہر آیا، تو مسیح (اولین پھل کی قربانی) نے چالیس روزہ آزمائشی عمل کا آغاز کیا۔ جب وہ اپنے بپتسمہ کی تمثیل کے مطابق جی اٹھا، تو چالیس دن تک مسیح نے شاگردوں کے ساتھ روبرو تعلق رکھا۔ آزمائش کا عمل بحر قلزم کو پار کرنے کے بعد شروع ہوتا ہے، بالکل اسی یقینیت کے ساتھ جس طرح مسیح پانی سے نکلتے ہی روح کی رہنمائی سے بیابان میں لے جایا گیا۔

نخستین آزمون مسیح، آزمون اشتہا بود، زیرا نان آسمان کا مسح شدہ خویش را دقیقاً از همان جا آغاز کرد کہ آدم سقوط کرده بود. نخستین آزمون پس از دریای سرخ، آزمون سه گانه مَنّا است کہ نمونه وار بر آزمون سه گانه ای دلالت دارد کہ بر نان آسمان وارد آمد. آزمودگی مسیح پس از آن آغاز شد کہ او از آب بیرون آمد؛ از این رو، آن ده آزمون نیز باید «پس از» آنکہ ایشان از آب بیرون آمدند آغاز شود. سپس مسیح با آزمونی سه گانه روبه رو شد کہ در چارچوب اشتہا قرار داشت، چنان کہ آزمون سه گانه مَنّا—کہ پس از آن آغاز شد کہ روح، اسرائیل باستان را از مصر بیرون راند و بہ بیابان درآورد—پیشاپیش آن را بہ صورت نمادین نمایان ساخته بود.

فهرست های دیگری کہ درباره این کہ کدام طغیان ها در ده آزمونی کہ در قادش بہ اوج می رسند بازنمایی شده اند گمانه زنی می کنند، شورش گوساله زرین هارون را یکی از آن ده آزمون می دانند، اما

در اشتباه‌اند.

آزمون گوساله زربین دو آزمائشوں کی نمائندگی کرتا ہے۔ یہ گوسالہ زربین کی علامتیت کا ایک بنیادی جزو ہے۔ جب لوگوں نے یہ سمجھا کہ خدا نہیں دیکھے گا، تو جو بت پرستی ظاہر ہوئی، اس کے بعد موسیٰ کی واپسی ہوئی۔ پھر لوگوں نے یہ انتخاب کیا کہ وہ خدا کی کامل نگاہ کے سامنے، جیسا کہ موسیٰ اس کی نمائندگی کرتا تھا، بت پرست ہی رہیں۔

در آن طغیان دوگانه و فزاینده، تقسیمی نبوی در میان قبایل را می‌بینیم، آنگاه که قبیله لاوی به‌طور انحصاری به خدمت قدس منصوب شد؛ زیرا تا پیش از آن طغیان، خدمت قدس می‌بایست به‌وسیله نخست‌زادگان هر قبیله انجام می‌گرفت. دیگر چنین نخواهد بود. اکنون قبیله وفادار لاوی معبد را نگاه خواهد داشت. «تقسیم» یا جدایی به «دو»، عنصری از ویژگی نبوی گوسالہ زرین است.

بغاوت ہارون نے یربعام کی بغاوت کی تمثیل پیش کی، جو اسرائیل کی شمالی مملکت کا پہلا بادشاہ تھا۔ یربعام سنہری بچھڑوں کو "دوگنا" کرتا ہے، ایک کو بیت ایل میں اور ایک کو دان میں قائم کرتا ہے۔ ہارون اور یربعام متوازی تواریخ کی نمائندگی کرتے ہیں، اور یہی حیوان کی شبیہ کی تشکیل کی تاریخ ہے۔ حیوان کی شبیہ کی تاریخ دو ادوار میں تکمیل پاتی ہے، جو ریاستہائے متحدہ میں سنڈے لا کے ذریعے منقسم ہیں۔ حیوان کی شبیہ کلیسیا اور ریاست کے اُس اتحاد کی علامت ہے جو پہلے ریاستہائے متحدہ میں، اور پھر دنیا میں قائم کیا جاتا ہے۔

همواره نوعی جدایی با نمادهای تصویر وحش همراه است. در مورد هارون، این جدایی به صورت انفصال لاویان بود؛ و در مورد یربعام، به صورت جدا شدن دوازده سبط به دو سبط جنوبی و ده سبط شمالی.

آن نماد رابطه میان کلیسا و دولت، در کتاب مکاشفہ به‌وسیله یوحنا «صورت وحش» نامیده شدہ است. گوسالہ‌های زرین هارون و یربعام‌ها، صورت‌هایی از یک وحش بودند، و آن وحشی که ایشان صورت‌های آن بودند، بابل است؛ زیرا نخستین پادشاهی نبوت کتاب مقدس در فصل دوم دانیال به‌وسیله سری از «طلا» نمایش داده شدہ است. صورت وحش نمایانگر دو آزمون است، زیرا نخست آزمون بر وحش زمینی—ایالات متحدہ—وارد می‌شود؛ سپس در فصل سیزدهم مکاشفہ، ایالات متحدہ جهان را وامی‌دارد که صورتی برای وحش برپا سازد. آزمون نخست ایالات متحدہ است، سپس جهان.

«چون آمریکا، سرزمین آزادی مذهبی، با پاپیت متحد شود تا وجدان را به اجبار وادارد و مردم را مجبور سازد که سبت کاذب را گرامی بدارند، مردم هر کشور بر روی کره زمین به پیروی از نمونه او سوق داده خواهند شد.» شہادت‌ها، جلد ۶، ص. ۱۸.

«اقوام بیگانه از نمونه ایالات متحدہ آمریکا پیروی خواهند کرد. هرچند او پیشگام است، با این حال همان بحران بر قوم ما در همه بخش‌های جهان نازل خواهد شد.» شہادت‌ها، جلد ۶، ص. ۳۹۵.

شورش گوسالہ زرین دوگانه است و دو مورد از نخستین نه آزمونی را نشان می‌دهد کہ به دهمین و آخرین آزمون در نخستین قادیان منتهی می‌گردند. هنگامی کہ شورش‌های هارون و یربعام «حکم پر حکم» در کنار هم قرار داده شوند، درمی‌یابید کہ هارون، کاهن اعظم، نماینده یک کلیساست و یربعام، پادشاه اسرائیل، نماینده دولت است. این دو خط در کنار یکدیگر نمادی از ترکیب کلیسا و دولت‌اند. دو مذبح یربعام در بیت‌ئیل، (به معنای کلیسا) و دان، (به معنای داور) برپا شدند و با هم نمایانگر ترکیب کلیسا و دولت هستند. با تثبیت این نکات، اکنون شناسایی ده آزمون را آغاز خواهیم کرد.

ده آزمون در بستر آرامش سبت قرار داده شده‌اند (عبرانیان ۳-۴). آنان با معجزه سه گانه مّا و درس آن درباره سبت آغاز می‌شوند و به دهمین آزمون، یعنی قادیس نخست، پایان می‌یابند. آن قادیس نخست در کتب مقدس «روز تحریک» است، و پولیس شورش نهایی را در بستر آزمون سبت قرار می‌دهد. آزمون آلفا سبت بود، چنان‌که به وسیله مّا نمادین شده است، و دهمین و آزمون امگا در قادیس نخست نیز همان آرامش سبت بود. آلفا و امگا همواره پایان را با آغاز نمایان می‌سازند.

لهذا، جیسا که روح القدس فرماتا، "آج اگر تم اُس کی آواز سنو تو اپنے دلوں کو سخت نہ کرو، جیسا کہ بغاوت کے وقت، آزمائش کے دن بیابان میں ہوا؛ جب تمہارے باپ دادا نے مجھے آزمایا، مجھے پرکھا، اور چالیس برس تک میرے کام دیکھے۔ اس لیے میں اُس نسل سے بیزار ہوا اور کہا، یہ ہمیشہ اپنے دل میں گمراہ رہتے ہیں، اور انہوں نے میری راہوں کو نہ جانا۔ پس میں نے اپنے غضب میں قسم کھائی، وہ میری آرام گاہ میں ہرگز داخل نہ ہوں گے۔"

هوشیار باشید، ای برادران، مبدا در کسی از شما دلی شریر و بی‌ایمان باشد که از خدای زنده روی گردان شود. بلکه هر روز یکدیگر را پند دهید، مادام که «امروز» خوانده می‌شود؛ مبدا کسی از شما بر اثر فریبندگی گناه سخت دل گردد. زیرا ما در مسیح شریک شده‌ایم، اگر آغاز اطمینان خود را تا پایان استوار نگاه داریم؛

Mientras se dice: Si oyereis hoy su voz, no endurezcáis vuestros corazones, como en la provocación. Porque algunos de los que habían oído provocaron; aunque no todos los que salieron de Egipto por medio de Moisés. ¿Y con quiénes estuvo él disgustado durante cuarenta años? ¿No fue con aquellos que pecaron, cuyos cuerpos cayeron en el desierto? ¿Y a quiénes juró que no entrarían en su reposo, sino a aquellos que no creyeron? Así vemos que no pudieron entrar a causa de la incredulidad

پس بیایید بترسیم، مبدا با آنکه وعده ورود به آرامی او برای ما باقی است، کسی از شما چنان نماید که از آن فرو مانده است. زیرا به ما نیز بشارت داده شد، همچنان‌که به ایشان؛ اما کلام بشارت‌یافته برای آنان سودی نبخشید، چون در کسانی که آن را شنیدند با ایمان درنیامیخت.

زیرا ما که ایمان آورده‌ایم، به آن آرامی داخل می‌شویم؛ چنان‌که گفته است: «چنان‌که در غضب خود قسم خوردم، اگر به آرامی من داخل شوند»؛ هرچند اعمال از بنیاد عالم به انجام رسیده بود. زیرا در جایی درباره روز هفتم بدین‌گونه سخن گفته است: «و خدا در روز هفتم از تمامی اعمال خویش آرام گرفت.» و باز در این موضع: «اگر به آرامی من داخل شوند.»

پس چون باقی است که بعضی به آن داخل شوند، و آنان که نخست بدیشان بشارت داده شد، به سبب ناباوری داخل نشدند؛ باز روزی معین را مشخص می‌سازد و در داوود می‌گوید: «امروز»، پس از گذشت زمانی دراز؛ چنان‌که گفته شده است: «امروز، اگر آواز او را بشنوید، دل‌های خود را سخت مسازید.»

زیرا اگر عیسی به ایشان آرامی داده بود، پس پس از آن هرگز از روزی دیگر سخن نمی‌گفت.

پس برای قوم خدا هنوز آرامشی باقی است. زیرا هر که به آرامی او داخل شد، او نیز از اعمال خویش بازایستاد، چنان‌که خدا از اعمال خود بازایستاد. پس بیایید بکوشیم تا به آن آرامی داخل شویم، مبدا کسی به پیروی از همان نمونه بی‌ایمانی سقوط کند. عبرانیان ۳: ۸-۴: ۱۱.

در «روز اغاظه»، پیام یوشع و کالیب رد شد. این بخش بر گروهی مبتنی است که به سبب ناباوری نسبت به پیامی که شنیده‌اند، داخل نخواهند شد. این پیام با «آرامی» نمود یافته است.

«کسانی که حاضر نیستند به خداوند خدمتی وفادارانه، جدی و محبت‌آمیز تقدیم کنند، نه در این زندگی و نه در زندگی آینده، آرامش روحانی نخواهند یافت. «پس برای قوم خدا آرامی‌ای باقی می‌ماند... پس بیاید جد و جهد کنیم تا به آن آرامی داخل شویم، مبادا کسی به همان نمونه بی‌ایمانی سقوط کند.» آرامی‌ای که در اینجا از آن سخن گفته شده، آرامی فیض است که با پیروی از دستور مقرر حاصل می‌شود. «با جدیت بکوشید.» Pacific Union Recorder، 7 نوامبر 1901.

پیام «آرامی» همان پیامی است که به‌وسیلهٔ پیام یوشع و کالیب نمود یافته است. پولس حقایق مرتبط با سبت روز هفتم را به‌عنوان نمادی از پیام «آرامی» به‌کار می‌برد؛ پیامی که از سوی کسانی رد شد که مقدر بود در بیابان بمیرند.

عبارت «امروز اگر آواز او را بشنوید» همان تأکید کتاب مکاشفه است بر هر انسانی که آواز روح را می‌شنود؛ یعنی شنیدن پیام روح، که همان پیام باران آخر است، و همان پیام «آرامی» است. در قاش آن صدا طنین‌انداز شد و عاصیان رهبری تازه برگزیدند تا ایشان را به مصر بازگرداند. تاریخ این تحریک در مزمور ۹۵ و نیز به‌وسیلهٔ پولس در عبرانیان مورد خطاب قرار گرفته است. این تاریخ، شکست اسرائیل باستان را در دهمین آزمون ایشان مشخص می‌سازد. آزمون آغازین ده آزمون با معجزهٔ سه‌گانهٔ منّا آغاز شد که نمایانگر پیام‌های سه فرشته، شریعت خدا، آرامی سبت، نان آسمان، اطاعت و داوری بود—و آخرین آن ده آزمون، آزمون «آرامی» بود. «آرامی» فیضی، چنان‌که خواهر وایت بیان می‌کند، نماد باران آخر است. قاش نمادی است از آزمون پذیرش یا رد پیام باران آخر که «حکم بر حکم» عرضه می‌شود.

سُطْرًا عَلَى سَطْرٍ، إِنَّ «الرَّاحَةَ» هِيَ انْسِكَابُ الرُّوحِ الْقُدْسِ الْمُمَثَّلِ بِالْمَطَرِ الْمُتَأَخَّرِ. وَ«الرَّاحَةُ» هِيَ أَيْضًا سَبْتُ الْيَوْمِ السَّابِعِ، ذَلِكَ الْخَتْمُ بَعِينَهُ الَّذِي يُوضَعُ عَلَى الْأَمْنَاءِ أَثْنَاءَ فِتْرَةِ الْمَطَرِ الْمُتَأَخَّرِ. وَ«الرَّاحَةُ» هِيَ النِّعْمَةُ الَّتِي تُمَثِّلُ الْقُوَّةَ الْمَمْنُوحَةَ لِلْمِئَةِ وَالْأَرْبَعَةِ وَالْأَرْبَعِينَ أَلْفًا عِنْدَمَا تُحْمَى خَطَايَاهُمْ إِلَى الْأَبَدِ. وَهَذِهِ النِّعْمَةُ لَيْسَتْ فَقْطُ الْقُوَّةِ الْمَمْنُوحَةِ الَّتِي تُمَثِّلُ التَّقْدِيسَ، بَلْ هِيَ أَيْضًا النِّعْمَةُ الَّتِي تُوفِّرُ التَّبَرِيرَ حِينَ يُسْتَعْمَلُ دَمُ الْمَسِيحِ لِإِزَالَةِ خَطَايَا النَفْسِ التَّائِبَةِ. إِنَّ «رَاحَةً» النِّعْمَةُ هِيَ رِسَالَةُ بَرِّ الْمَسِيحِ، ذَلِكَ الْبَرُّ الَّذِي يُوفِّرُ النِّعْمَةَ (الْقُوَّةَ) لِلْعِيشِ بِلاَ خَطِيئَةٍ، وَالنِّعْمَةُ الَّتِي تَحَوَّلُ اللَّاوُدَكِي إِلَى فِيلَادَلْفِي. وَبَعْدَمَا يَتَحَوَّلُ اللَّاوُدَكِي السَّابِقُ بِنِعْمَةِ التَّبَرِيرِ، فَإِنَّهُ، بِوَصْفِهِ فِيلَادَلْفِيًّا، يَسِيرُ بِقُوَّةِ النِّعْمَةِ فِي الطَّرِيقِ الْمُقَدَّسِ الَّذِي يَقُودُ إِلَى التَّمَجِيدِ. إِنَّ «الرَّاحَةَ» هِيَ رِسَالَةُ الْمَلَائِكَةِ الثَّالِثَةِ، كَمَا تُمَثِّلُ بَعْبَارَةً «التَّبَرِيرَ بِالْإِيمَانِ حَقًّا». وَإِذَا كَانَ الْأَمْرُ كَذَلِكَ، فَإِنَّ قَادِشَ كَانَتْ تُشِيرُ إِلَى سَنَةِ 1888.

نخستین قاش پیام «آرامی» را مشخص می‌سازد که همان پیام «انجیل» است. انجیل جاودانی عبارت است از «کار مسیح در به‌کار انداختن فرایندی سه‌گانه از آزمون که دو طبقه از پرستندگان را پدید می‌آورد و سپس آشکار می‌سازد.» پیام انجیل جاودانی «آرامی» در نخستین قاش، نمایانگر پیام سه‌گانه انجیل جاودانی است که تحت حاکمیت کار سه‌گانه روح القدس قرار دارد؛ همان روحی که بر گناه، پارسایی، و داوری ملزم می‌سازد. آن سه گام، دقیقاً همان سه گام آزمون در امتحان منّا هستند!

ده آزمون با فرایندی سه‌گانه از آزمودن آغاز می‌شوند که بر شریعت خدا، سبت، و مسئولیت بشر در خوردن و هضم کردن پیام خدا تأکید می‌ورزد. نخستین این ده آزمون، همانند دهمین، سه‌گانه بود. آزمون نخست از منّا بهره می‌گیرد، به‌عنوان نمادی از نان آسمان که سبت روز هفتم را رفعت می‌بخشد. آزمون آخر از «استراحت» بهره می‌گیرد، به‌عنوان نماد فرایند نهایی آزمودن باران آخری که در قانون یکشنبه به اوج می‌رسد، جایی که آنان که نمایندگان نان آسمان‌اند، به‌مثابه علمی برای سبت برافراشته می‌شوند.

آغاز ده آزمون، همانند پایان ده آزمون، بر سبت و پیام انجیلی مرتبط با سبت تأکید می‌ورزد؛ همان پیامی که انجیل جاودانی فرشته سوم است. قاش نخست، امگای ده آزمون بود؛ از این رو، آلفای ده

آزمون نیز باید همان ویژگی‌ها را دارا باشد. قادیان نمایانگر سال ۱۸۶۳ بود، زمانی که خداوند اراده فرموده بود کار خود را به پایان رساند و قوم خویش را به خانه ببرد، اما ورود به سرزمین موعود به تأخیر افتاد.

«با خواندن آیات زیر خواهیم دید که خدا چگونه اسرائیل باستان را در نظر داشت:»

«زیرا خداوند یعقوب را برای خویش برگزیده است، و اسرائیل را برای خزانه خاص خود.» مزمور ۱۳۵:۴.

«زیرا تو برای یهوه خدای خویش قومی مقدس هستی، و یهوه تو را برگزیده است تا از میان جمیع قوم‌هایی که بر روی زمین هستند، برای خود قوم خاص باشی.» تثنیه ۱۴:۲

«زیرا تو برای یهوه، خدای خود، قومی مقدس هستی؛ یهوه، خدای تو، تو را برگزیده است تا برای خودش قومی خاص باشی، برتر از جمیع قوم‌هایی که بر روی زمین هستند. یهوه محبت خود را بر شما قرار نداد و شما را برگزید از آن رو که از سایر قوم‌ها پرشمارتر بودید؛ زیرا شما از همه قوم‌ها کم‌شمارتر بودید.» تثنیه ۷:۶، ۷.

«زیرا از کجا معلوم شود که من و قوم تو در نظر تو فیض یافته‌ایم؟ آیا نه از این که تو با ما می‌روی؟ پس من و قوم تو از جمیع قوم‌هایی که بر روی زمین‌اند ممتاز خواهیم شد.» خروج ۱۶:۳۳

«اسرائیل قدیم چه بسیار اوقات عصیان ورزید، و چه مکر احکام الهی بر ایشان فرود آمد، و هزاران تن کشته شدند، زیرا به فرامین خدایی که ایشان را برگزیده بود گوش فرامی‌دادند! اسرائیل خدا در این ایام آخر پیوسته در معرض این خطر است که با جهان درآمیزد و هر نشان قوم برگزیده خدا بودن را از دست بدهد. تیطس ۲:۱۳-۱۵ را بار دیگر بخوانید. در اینجا ما به ایام آخر آورده می‌شویم، آنگاه که خدا برای خویش قومی خاص را پاک می‌سازد. آیا ما نیز همچون اسرائیل قدیم او را به خشم آوریم؟ آیا با دور شدن از او و درآمیختن با جهان، و پیروی از رجاست امت‌های پیرامون خود، غضب او را بر خویشتن فرود آوریم؟» شهادت‌ها، جلد ۱، ۲۸۲، ۲۸۳.

خواهر وایت می‌پرسد: «آیا ما او را خشمگین خواهیم ساخت، چنان که اسرائیل باستان کرد؟» ما او را با درآمیختن با جهان خشمگین می‌سازیم؛ جهانی که با مصر، همان مکانی که یاغیان در قادیان خواستار رهبری شدند تا ایشان را بدان‌جا بازگردانند، نمادپردازی شده است. در سال ۱۸۶۳، الهام، اشتیاق به بازگشت به مصر و برگزیدن رهبری تازه را به مثابه میل به پیوند و همبستگی با جهان بازنمایی می‌کند.

گزرگاهی که اکنون در حال بررسی آن هستیم، پیش از آن با تفسیر خواهر وایت درباره وارد نشدن اسرائیل باستان به آن آرامی همراه بود. در متن طغیان پیوسته ایشان، او آیاتی را مطرح ساخت که بیان می‌کرد خدا چگونه می‌خواست با عروس خویش رابطه داشته باشد، اما عروس او نپذیرفت. بخش زیر به آنچه هم‌اکنون خواندیم منتهی می‌شود.

در عبارتی که او ثبت می‌کند، «خدا از قوم خود می‌خواست که فقط به او اعتماد کنند. او نمی‌خواست که آنان از کسانی که او را خدمت نمی‌کنند یاری دریافت کنند.» در سال ۱۸۶۳، ادونتیس میلیری لائودیکه‌ای با دولت ایالات متحده آمریکا اتحادی برقرار کرد تا در کوشش‌های خود برای جلوگیری از اعزام جوانانشان به مرگبارترین جنگ در تاریخ آمریکا از آن کمک بگیرد.

«در اینجا هشدارهایی را می‌خوانیم که خدا به اسرائیل باستان داد. رضایت نیکوی او بر این نبود که ایشان این‌چنین طولانی در بیابان سرگردان شوند؛ اگر تسلیم می‌شدند و دوست می‌داشتند که به وسیله او هدایت شوند، بی‌درنگ آنان را به سرزمین موعود می‌آورد؛ اما چون بارها در بیابان او

را اندوہگین ساختند، در غضبِ خویش قسم خورد کہ بہ آرامی او داخل نشوند، جز آن دو تن کہ بہ تمامی از او پیروی کردند۔ خدا از قوم خود میخواست کہ تنها بر او اعتماد کنند۔ او نمیخواست کہ ایشان از کسانی کہ او را خدمت نمیکردند، یاری گیرند۔»

«لطفاً عزرا ۴:۵-۵ را بخوانید: «و چون دشمنان یهودا و بنیامین شنیدند کہ فرزندان اسارت برای یہوہ، خدای اسرائیل، ہیکل را بنا می کنند، آنگاہ نزد زروبابل و نزد سران خاندان ہا آمدند و بہ ایشان گفتند: بگذارید ما نیز با شما بنا کنیم، زیرا ما نیز مانند شما خدای شما را می جویم؛ و از ایام آسرحدون، پادشاہ آشور، کہ ما را بہ اینجا آورد، برای او قربانی می گذرانیم۔ اما زروبابل و یشوع و دیگر سران خاندان ہای اسرائیل بہ ایشان گفتند: شما را با ما در بنا کردن خانہ ای برای خدای ما کاری نیست؛ بلکہ ما خودمان با ہم برای یہوہ، خدای اسرائیل، بنا خواہیم کرد، چنان کہ کوروش پادشاہ پارس بہ ما فرمان دادہ است۔ آنگاہ قوم آن سرزمین دست ہای قوم یہودا را سست کردند و ایشان را در بنا کردن مضطرب ساختند، و مشاورانی را بر ضد ایشان اجیر کردند تا مقصود ایشان را باطل سازند۔»

عزرا ۸:۲۱-۲۳: «آنگاہ در آنجا، نزد نہر آہوا، روزہ ای اعلام کردم تا در حضور خدای خود خویشتن را فروتن سازیم و از او راہی راست برای خود و اطفالمان و تمامی اموالمان بطلبیم۔ زیرا از این شرم داشتیم کہ از پادشاہ گروہی سپاہی و سواران بخواہم تا ما را در راہ از دشمن یاری کنند؛ چون بہ پادشاہ گفتہ بودیم کہ دست خدای ما بر جمیع آنان کہ او را می جویند برای نیکویی است، اما قدرت او و خشم او بر جمیع آنان است کہ او را ترک می کنند۔ پس روزہ گرفتیم و برای این امر از خدای خود تضرع نمودیم، و او دعا ی ما را مستجاب فرمود۔»

پیامبر و این پدران، مردم آن سرزمین را پرستندگان خدای حقیقی نمی شمردند؛ و ہرچند ایشان اظہار دوستی می کردند و مایل بودند بہ آنان یاری رسانند، اینان جرأت نداشتند در ہیچ امری کہ بہ عبادت او مربوط می شد با آنان متحد شوند۔ ہنگامی کہ برای بنای ہیکل خدا و اعادہ عبادت او بہ اورشلیم می رفتند، از پادشاہ درخواست یاری نکردند تا در راہ ایشان را مدد رساند؛ بلکہ با روزہ و دعا از خداوند طلب یاری نمودند۔ آنان باور داشتند کہ خدا خادمان خود را در کوشش ہایشان برای خدمت بہ او، محافظت خواہد کرد و کامیاب خواہد ساخت۔ آفرینندہ ہمہ چیزها برای برپا داشتن عبادتِ خویش بہ یاری دشمنان خود نیازی ندارد۔ او نہ قربانی شرارت را می طلبد، و نہ ہدایای کسانی را می پذیرد کہ پیش روی خداوند، خدایان دیگری دارند۔

«ما غالباً هذه الملاحظة: "أنتمفردون أكثر من اللازم." نحن، كشعب، مستعدون لأن نقدم أية تض أجل خلاص النفوس أو قيادتها إلى الحق. أمّا أن نتحد أو نجب الأشياء التي يحبونها، أو نقيم صداقة مع العالم، فهذا لا نجاسر عليه، لأننا حينئذ نكون في عداوة مع الله.» الشهادات، المجلد 1، 281، 282.

خواہر وایت، در پیوند با تفسیر خود بر شورش قادش، چنین می نویسد: «آفرینندہ ہمہ چیزها برای برپاداشتن عبادت خویش، بہ یاری دشمنان خود نیازی ندارد۔ او نہ قربانی شریران را می طلبد، و نہ ہدایای کسانی را می پذیرد کہ پیش از خداوند، خدایان دیگری دارند۔» در سال ۱۸۶۳، جنبش ادونتیسیم میلری لائودیکیہ ای بہ یک کلیسا بدل شد و با آن قدرتی کہ عبادت یکشنبہ را بر ملت، و پس از آن بر جہان، تحمیل خواہد کرد، اتحاد بست۔

در مقالہ بعدی، بہ بررسی خطوط نبوی ای ادامہ خواہیم داد کہ بہ 1863 منتهی می شوند؛ سالی کہ سنگِ رأس دورہ نبوی از 1844 تا 1863 است۔

جو کچھ ہو چکا ہے، وہی پھر ہوگا! اور جو کچھ کیا گیا ہے، وہی پھر کیا جائے گا! اور آفتاب کے نیچے کوئی چیز نئی نہیں۔ کیا کوئی ایسی چیز ہے جس کے بارے میں کہا جا سکے، دیکھو، یہ نئی ہے؟ وہ

تو قدیم زمانہ سے ہو چکی ہے، جو ہم سے پہلے تھا۔ میں جانتا ہوں کہ جو کچھ خدا کرتا ہے، وہ ہمیشہ کے لیے ہوتا ہے: نہ اس میں کچھ بڑھایا جا سکتا ہے، نہ اس میں سے کچھ گھٹایا جا سکتا ہے؛ اور خدا یہ کرتا ہے تاکہ لوگ اُس کے حضور خوف رکھیں۔ جو کچھ ہو چکا ہے وہ اب بھی ہے؛ اور جو ہونے والا ہے وہ پہلے ہی ہو چکا؛ اور خدا گزرے ہوئے کو پھر طلب کرتا ہے۔ واعظ 1:9، 10؛ 3:14، 15۔